

طرح مستند

" الف "

تک قسمت

45 دقیقه ای

زبان : فارسی

خلاصه موضوع :

اولین مدرسه ملی آذربایجان

مقدمه:

در ایران - قبل از دوره قاجاریه - آموزش در مکتب‌خانه ها و مدارس دینی ایران خلاصه می شد و افراد خواندن و نوشتن و حداکثر احکام دینی را می آموختند.

در عهد قاجاریه، ایران به تبعیت از بسیاری کشورهای رو به رشد جهان توانست با همراهی و همفکری بزرگان فرهنگی و مفاخر علمی خود نسبت به ایجاد مدارس جدید به سبک و سیاق نوین اقداماتی را انجام دهد که بسیاری از تلاش ها و زحمات ارزنده مؤسسان و بانیان این مدارس متأسفانه در جایی بازگو نشده است. ضرورت دارد نسبت به شناسایی افرادی که بیشترین نقش و داخل و تصرف در ایجاد مدارس نوین در یکصد و پنجاه سال پیش و بیشتر از آن تا به امروز داشته‌اند اقداماتی صورت گیرد.

اولین مدرسه در ایران به نام دارالفنون به ابتکار میرزا تقی خان امیرکبیر در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار برای آموزش علوم و فنون جدید در تهران تأسیس شد.

دومین مدرسه به نام رشديه را میرزا حسن رشديه در سال ۱۲۶۸ شمسی در تبریز تأسیس کرد.

و مدرسه ملی ناصری خلخال یکی از اولین مدارس مدرن در آذربایجان بود که به مدرسه ناصری خلخال شهرت یافت. همانند شهر تبریز در خلخال نیز ناصر روائی با مساعدت و زحمات شخصی خویش به تأسیس مدرسه ملی در ولایت آذربایجان عصر قاجاریه اقدام کرد. وی در سال ۱۲۸۴ هجری شمسی به فکر تأسیس و ایجاد مدرسه در خلخال افتاد. در آن زمان به غیر از تبریز در هیچ شهر آذربایجان مدرسه وجود نداشت. تحصیلات مانند سایر نقاط کشور در مکتب خانه‌ها انجام می‌گرفت.

داستان از اینجا شروع می شود که میرزا محمدتقی معروف به حاج معلم پس از سال ها کسب علم و تجربه در باکو، برای دیدار اقوام و خانواده خویش به خلخال آمده بود. روائی فرصت را مغتنم شمرد و منظور خویش را با حاج معلم در میان گذاشت که پس از مذاکره و بحث و تبادل نظر، میرزا محمدتقی پیشنهاد ناصر روائی مبنی بر

مدیریت مدرسه را بر عهده گرفت و نخستین مدرسه ملی در آذربایجان به نام مدرسه ناصری در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در خلخال تأسیس شد.

تحصیل در این مدرسه رایگان بود و بنا به اسناد تاریخی ناصر روائی از جیب خود مخارج آن را عهده‌دار بود و از کمک‌های افراد خیر زمان هم برای اداره مدرسه استفاده می‌کرد. تدریس در این مدرسه به زبان ترکی آذربایجانی انجام می‌شد. متأسفانه در پاییز ۱۲۸۶ هجری شمسی بر اثر هجوم افراد یاغی و اشرار محل و بروز ناامنی در منطقه مدرسه ناصری متوقف و اثاثیه آن غارت شد. در سال ۱۲۸۹ خورشیدی مجدداً بر اثر همت و مساعدت اهالی خلخال مدرسه مجدداً بازگشایی شد.

مدرسه در طول حیات خویش با فراز و نشیب‌های بسیاری همراه بود و متناسب با تحولات سیاسی و اجتماعی منطقه دچار تعطیلی، بازگشایی یا تغییر نام قرار می‌گرفت.

در کتاب دو جلدی تاریخ آموزش و پرورش استان اردبیل به تالیف اصغری کلاسز که جلد اول آن درمورد پیشگامان، مکتب داران مکتب خانه ها و موسسین مدارس قدیمی، شرح مدارس، مکتب خانه، شرح حال موسسین، بانیان مدارس و مکتب خانه های استان اردبیل است.

در بخش دیگری از این کتاب به مکتب خانه های قدیمی اردبیل، خلخال، مغان، مشگین، پارس آباد، نمین، نیر و سرعین و همچنین مدارس اولیه به سبک جدید که در سال 1284 توسط محمودلی خان تنکابنی سپهدار (نصرالسلطنه) حاکم وقت اردبیل با عنوان مدرسه نصریه در اردبیل تأسیس شد پرداخته شده که بعد از آنها مدارس دیگری مانند جعفریه، رشديه، تدین، شرافت، رفعت، صداقت، معرفت، مهر در اردبیل تأسیس شده است

طبق همین کتاب اولین مدرسه ای که در اردبیل دایر شده به نام سنایی در سال 1296 ه.ش است. و نخستین مدرسه نمین هم عبارت است از مدرسه ای که در سال 1299 ه.ش افتتاح شده است و فعلاً نام دبیرستان فردوسی نامیده می شود و دوره اول متوسطه دارد.

شرح مستند :

با توجه به اسناد و مدارک معتبر تاریخی ، مدرسه ناصری خلخال به عنوان اولین مدرسه ملی است که در ولایت آذربایجان به سال 1284 هـ.ش توسط مرحوم ناصر دفتر روائی تاسیس گردیده است

"میرزا ابراهیم ناصر روایی" ملقب به "ناصر دفتر" در سال 1253 هجری شمسی در هرو آباد ، که نام سابق شهرستان خلخال بود متولد شد .

پدرش مرحوم میرزا محمد حسن مشهور به "سراج دفتر" در دوره صدارت امیرنظام ریاست دیوان استیفای خلخال را برعهده داشته و شخصیتی فاضل بوده و خط را نیکو می نوشت.

در سال 1273 که به بیست سالگی رسیده بود با پدرش به تبریز رفت و چون در چند ملاقاتی که با امیرنظام داشت خط و ربط و درک و معلومات فرزند مورد توجه امیرنظام قرار گرفت، امیر نظام از سراج دفتر خواست که ابراهیم را در تبریز بگذارد. موقعی که امیرنظام به تهران آمد ابراهیم را نیز به همراه خود به تهران آورد و قسمتی از امور منشیگری خود را به او سپرد، میرزا ابراهیم مدت هفت سال در تهران بود و با اصول مربوط اداره ی امور دیوانی و رجال مملکتی آشنایی یافت.

میرزا ابراهیم پیش از آغاز نهضت مشروطیت به خلخال بازگشت و در رفع مشکلات مختلفی که اغلب دامنگیر منطقه بود، با نظر و رای خود، همیشه به مردم یاری می کرد و به همین ملاحظات بود که چند نوبت نیابت حکومت خلخال از طرف دولت بر عهده ی او گذاشته شد.

در سال 1284 شمسی که هنوز در اغلب شهرهای کناره ی ایران نامی از مدرسه و معارف جدید نبود ناصردفتر به تاسیس اولین مدرسه در خلخال همت گمارد و برای برپا داشتن و راه اندازی مدرسه با نفوذی که در میان طبقات مختلف داشت به تبلیغ پرداخت و اعانه فراهم کرد و مدرسه ای را که به "ناصری" شهرت گرفت بنا نهاد. اما چون ناآرامی و غارت‌های عشایری هرچند یکبار در خلخال بروز می کرد مدرسه نیز متناوبا به وقفه می کشید. در یادداشتی که راجع به تاریخچه مدرسه نوشته یادآور شده است که:

در خلخال افکار عمومی از اینگونه تاسیسات بیگانه و اقدام بدان مستلزم انواع مخاطره و فداکاری ها بود، نگارنده از روی یک احساسات درونی خود را برای مقابله با هرگونه مرارت و مخاطره حاضر و با استفاده از وجود حاج میرزا محمدتقی خوجینی (که تحصیلات خود را در باکو انجام داده بود) بدین اراده افتادم که مدرسه ای در قصبه ی خلخال افتتاح و خدمات وطنی خود را از این راه تعقیب نمایم، و چون خود چنین قدرت مالی نداشتم که همه مصارف مقدماتی و بودجه آتیه ی این مدرسه را از عهده برآیم، اراده خود را با بعضی از خواص خلخال که احساساتی در این کارها داشتند به میان گذاردم و استمداد کردم که از مساعدت مادی و معنوی دریغ

نمایند ولی از هیچیک مساعدت مالی و مادی بعمل نیامد و بلکه بعضی ها نظر به عدم استعداد محلی و فقدان وسایل و دوری افکار عمومی از آن و بدتر از همه بدبینی دولتیان مستبد نسبت به اینگونه تاسیسات که بوی دیگری از آن برمی آمد بدین اقدام ملامت کردند.

ولی نظر به عشق مفرطی که بدان داشتم خود را بدین کار مصمم و اقل فایده آن را آشنا کردن افکار عمومی بدین تاسیسات و تخم پاشی می دانستم که لامحاله ثمره اش وقتی به دست آید. این بود اراده ی خود را جدا تعقیب و اثاثیه مدرسه را برحسب دستور حاج میرزا محمد تقی با خرج شخصی خودم فراهم و بهترین عمارت قصبه را (منزل حاج سلیم مرحوم) با ماهی ده تومان وجه اجاری برای مدرسه تعیین و در اول میزان (مهرماه) 1286 مدرسه را به نام ناصری با مدیریت و معلمی مرحوم حاج میرزا تقی و یک نفر دیگر از کسان او (میرزا رفیع) و نظامت آقا سید کریم و یک نفر مستخدم و با شصت نفر شاگرد در دو کلاس افتتاح و جشن افتتاحیه در عمارت مدرسه برپا شد [1].

ولی متأسفانه پس از بیست ماه در نتیجه انقلاب مملکتی و افزایش اختلافات بین ملیون و طرفداران دولت وقت و ازدیاد زمینه تاخت و تاز و مخالفت اشرار در خلخال انتظامات بکلی از هم بگسست و اعانه ی مختصر مدرسه قطع گردید طوری که مدیر و کارکنان مدرسه بیش از چهارده ماه با حداقل دستمزد با فداکاری ادای وظیفه کردند و در یکی از یادداشت ها مذکور است که مرحوم ناصر روائی برای پرداخت حقوق آموزگاران و کارمندان دبستان مجبور شد از درخت های باغ خود فروخته و حقوق آنها را بپردازد.

بالاخره روسای ایلات که داعیه طرفداری و ماموریت از طرف دولت را داشتند و با اهالی قصبه و ملیون در کشمکش بودند بر خلخال مستولی و عمارت مدرسه را اشغال و منزلگاه سواران خود قرار داده و قسمتی از اثاثیه آن را پایمال کردند و ناچار در 1288 شمسی منحل و حاجی معلم مرحوم دوباره به بادکوبه بازگشت و در آنجا مشغول تدریس شد.

مدرسه ی ناصری مدتها در حال تعطیل بود ولی ناصر دفتر روائی پیوسته مترصد فرصت بود تا دوباره آن را برپا دارد تا اینکه در سال 1290 امیرعشایر از طرف ایالت آذربایجان به حکومت خلخال منصوب شد. امیرعشایر برخلاف گذشته که اهالی را آزار می داد با اهالی و ملیون به در مسالمت درآمد و مرحوم ناصر دفتر موقع را مغتنم شمرده و مبلغی از امیرعشایر به رسم اعانه گرفت و به بادکوبه برای حاجی معلم فرستاد که او نواقص و اثاثیه و کتب مدرسه را خریداری کند و یک نفر معلم زبان روسی هم برای تعلیم شاگردان با خود بیاورد.

مدرسه دوباره در اوایل سال 1291 مجدداً گشایش یافت اما باز مدتی طول نکشید که برادران امیرعشایر بنای مخالفت را گذاشتند و نگذاشتند که اعتبار دولتی برای اداره ی امور مدرسه پایدار شود. پس مدرسه بیش از هشت ماه دوام نیاورد و برای بار دوم وقفه ایجاد شد. تا اینکه در محرم 1296 شمسی "میرزا کوچک خان

جنگلی" به مناسبت همسایگی نواحی طالش گیلان با خلخال با امیرعشایر و سایر خوانین متحد شد و با عده ای مجاهد به خلخال آمد. مردم خلخال استقبال شایان توجهی از او کردند. جنگلیها در قصبه ی خلخال اداره ی عدلیه و امنیه و اجرائیه تشکیل دادند. درین وقت مرحوم ناصر دفتر موضوع مدرسه را با میرزا کوچک خان مطرح و مبلغی اعانه از اهالی و خوانین جمع آوری کرد و برحسب تقاضای تلگرافی که مرحوم ناصر دفتر از اداره معارف ایالت آذربایجان کرده بود میرزا مهدی خان به سمت مدیر مدرسه به خلخال اعزام شد. هشت ماه که تشکیلات جنگلیها در خلخال برقرار بود مدرسه هم دایر بود و مخارج آن از محل ده درصد حقوقی که جنگلیها برای ادارات می پرداختند تامین می شد.

در فروردین 1298 شمسی نظر به بروز اختلاف بین میرزا کوچک خان با خوانین و پیش آمد قحط و غلاء و انحلال تشکیلات جنگلیها در خلخال، مردم هراسان بودند و برای یافتن قوت لایموت به اطراف متواری و پراکنده و تمام تشکیلات و سازمانها بهم خورد و اهالی مصیبت زده خلخال علاوه بر فشار اشرار غارتگر در محیط قحطی قرار گرفتند. درین جریان گروهی به گیلان و مازندران پناهنده شدند و بالاخره جمع کثیری از ناتوانی و فقر و بیماری در خلخال درگذشتند. آنطور که گفته اند حدود نیمی از نفوس خلخال در این قحطی پایمال و تلف شدند.

پس از گذشت هجده ماه در مهرماه 1298 شمسی میرزا علی اصغر خان تبریزی به عنوان نیابت حکومت به خلخال وارد شد و با مساعدت مرحوم ناصر روائی باز اعانه جمع آوری کرد و در نتیجه برای بار چهارم مدرسه ی ناصری در تاریخ 1298 شمسی دایر گردید و چون حاجی معلم به بادکوبه رفته بود میر زین العابدین هاشمی خلخال که مدتی در مدارس رشت تدریس کرده بود از طرف مرحوم ناصر روائی به مدیریت مدرسه تعیین و به اتفاق دو سه نفر معلم دیگر مشغول تدریس شد. چون دولت در همین اوقات با جدیتی تازه به تشکیل مدارس جدید در شهرها شروع کرده بود پس موقع مساعدی برای مرحوم ناصر روائی پیش آمد که از اداره معارف ایالتی آذربایجان تقاضای مساعدت کند و بودجه ی مدرسه را برقرار سازد. اداره ی معارف ایالتی جواب می دهد که مساعدت مالی به مدرسه ی ملی غیرممکن است. فقط امکان دارد که اگر مدرسه ی ناصری جزء مدارس جدیدالتاسیس دولتی بشود در آینده از عواید تومانی دویست دینار مالیاتی که به اسم معارف از ولایات وصول می شود بهره مند شود. پس ناصر دفتر پذیرفت که مدرسه ی ناصری از آن تاریخ جزء مدارس دولتی ثبت باشد.

در سال 1301 که مترجم السلطنه شیخ بهایی مفتش سیار وزارت مالیه به خلخال می آید اهالی را ترغیب به دادن اعانه به مدرسه می کند و با مدیریت میرزا حمید خان آموزگار اردبیلی که به خلخال آمده بود مدرسه رونق تازه ای می گیرد.

درین دوره، برای آنکه فرزندان پیشه وران از قبیل خیاط و آهنگر و نجار بعد از ورود به مدرسه نسبت به حرفه پدران خود به چشم حقارت ننگرند و پس از تحصیل دست از حرفه پدری نکنند، به همت و کوشش مرحوم

ناصر دفتر "کلاس صنعتی" در مدرسه ی ناصری تاسیس شد و هفته ای سه روز حرفه ی خیاطی ، کلاهدوزی و چلنگری (آهنگری) به شاگردان کلاس سوم که آخرین کلاس مدرسه در آن روزها بود تعلیم داده شد تا بعدها همین شاگردان حرفه ی پدری را اختیار کنند و در خلخال بمانند.

در اواخر سال 1301 که بابا خان سرهنگ، رئیس ارکان آذربایجان شرقی به سمت حکومت وارد خلخال شد و به پیشنهاد مرحوم ناصر روائی، جهت تامین بودجه مدرسه، بر محمولات تجارتي گیلان و کشتار قصابی عوارضی برقرار شد و عواید آن که بالغ بر یکهزار و دویست تومان می بود وسیله ی تامین بودجه و پیشرفت امور مدرسه گردید.

در سال 1303 کلاس پنجم دایر شد و در همین سال از طرف دولت برای مدرسه ی ناصری نهصد و شصت تومان بودجه معین شد و با موافقت سید فتح الله خان نایب اول حکومت، مدرسه ی دخترانه هم در هروآباد تاسیس گردید، ولی پس از چند ماه که عوارض محلی در کشور لغو گردید و بودجه ی مستقلی هم از طرف دولت برای مدرسه ی دخترانه داده نشد ناچار منحل گشت.

در سال 1302 خوانین و سرکردگان ایلات و عشایر توسط دولت سرکوب شدند و بعضی از آنها که از کرده های گذشته نادم شده و تامین یافته بودند به پیشنهاد مرحوم ناصر دفتر، اعانه ای برای ساختن ساختمان جدید در اختیار ناصر دفتر گذاردند و پس از ساختمان قباله ی مدرسه به اداره معارف داده شد.

در سال 1306 اداره معارف ایالتی تحت تاثیر جریانهای زمانه نام مدرسه ی ناصری را خواست تغییر بدهد اما طبقات مردم خلخال به اعتراض برخاستند. یکی از اعتراضات آنها تلگرافی است که در روزنامه سهند به مدیریت مرحوم محمود غنی زاده چاپ شده است (شماره چهارشنبه 15 شهریور 1306 صفحه 3)

مدرسه ی ناصری خلخال را بیست سال است آقای ناصر روائی شخصا تاسیس و با فداکاری های فوق الطاقه نگاهداری کرده. حکمی که برای تغییر اسم آن از وزارت جلیله صادر کرده اند منتهای غرض و از روی اشتباه است. اهالی خلخال هیچوقت راضی به معارف کشی نیستند، این ظلم لکه ای در ناصیه حال معارف مملکت است.

از علماء و عرفای خلخال آن زمان می توان به سید سعید مجتهد شریعتمدار، صدرالعلماء، رئیس السادات، معین الممالک، نایب صدر، حسنعلی سراج الایاله، سراج لشکر، ساعدالسلطان، میرمحمد آقا جواد اشاره داشت.

میرزا ابراهیم ناصر دفتر روائی در تاریخ پنج شنبه دهم دیماه 1321 در سن 72 سالگی درگذشت. اهالی هروآباد آن روز را تعطیل و به قدردانی و تجلیل نام او با یک شور فوق العاده در تشییع جنازه او حاضر بودند

مزار شادروان ناصر دفتر روایی واقع در آرامستان خلخال است و هم اکنون مدرسه ناصری خلخال با گذشت بیش از یک قرن از تاسیس آن، به عنوان مستندی از فرهنگ و هویت والای فرهنگی در خلخال می درخشد.

در این مدرسه شاگردانی پا به عرصه علم و فرهنگ گذاشتند که هر کدام یکی از مفاخر و مشاهیر علمی، ادبی و هنری شهرستان و استان و کشور فراتر گذاشته و عرصه های بین المللی را درنوردیدند.

اهمیت موضوع :

چرایی تولید موضوع مستند در مقطع حاضر با توجه به پیشینه فرهنگی مردم خلخال در استان اردبیل، ضمن شناسنامه دار کردن قدمت فرهنگی این شهر به بیان تاثیرات این اتفاق مهم در فرهنگ مردمی و ظهور و بروز تحصیل کردگان این مدرسه که به شاخص ترین و تاثیر گذارترین افراد شهر و استان و کشور وحتى در وسعت بین المللی تبدیل گردیده اند.

ایده :

ثبت شناسنامه تاریخی و فرهنگی شهر خلخال در تاسیس اولین مدرسه ملی آذربایجان و تاثیرات آموزش و تربیت آن زمان بر فرهنگ این مرز و بوم

(د) سرفصل های پژوهش یا مباحث پژوهشی مرتبط با مستند:

محورهای پژوهشی در طرح این مستند
تاثیرات تاسیس مدرسه دارالفنون در ایجاد و توسعه سایر مدارس در کشور از حیث فرهنگ و میزان باسوادی منطقه آذربایجان بویژه منطقه خلخال در استان اردبیل
میزان اهتمام یا مخالفت دولت های وقت در برپایی مدارس دولتی
نگاهی به حوادث تاریخی کشور از اواخر قاجار تا اوایل پهلوی و تاثیر حضور دول خارجی در ایران
تاریخ تاسیس مدرسه و نحوه تاسیس مدرسه ناصری
پیشینه تاریخی و فرهنگی مردم شهر خلخال در استان اردبیل
مدرسین و محصلین مدرسه

شیوه مدنظر:

با توجه به شیوه های رایج در مستندسازی و تقسیم بندی هایی که صورت گرفته برای روایت این مستند با انتخاب شیوه ترکیبی از شیوه های مختلف گردآوری (آرشیوی) و مردم نگاری پرداخت خواهد شد.

تصویرنامه :

بازسازی کلاس درس در زمان قاجاریه در تهران صورت گرفته و دانش آموزان با پوشش و فرهنگ آن زمان منتظر ورود آموزگار هستند که ناصر روایی نیز یکی از این دانش آموزان است ، لنز دوربین از منظر دانش آموز (روایی) منتظر ورود آموزگار است که وارد شده و پس از حضور و غیاب دانش آموزان به ویژه حاضر گفتن ناصر روایی .

آموزگار اولین کلمه از اولین درس روی تخته سیاه با گچ روی تخته سیاه ، کلمه " الف " را می نویسد

تیتراژ عوامل تولید روی تخته سیاه می آید.

افتتاحیه مستند از دستخط زیبای ناصر با دستان پیر و فرتوت خودش در حال نوشتن مطالبی روی کاغذ کاهی است.

صدای (مرحوم روایی) : برای شما که در آینده این نوشته را می خوانید ، برای آنان که بعد از ما پا به این عرصه وجود خواهید گذاشت و اما بعد ..

از وقتی پشت نیمکت کلاس به عنوان دانش آموز نشستم از اولین حرف کلاس درس یعنی الف آرزویم این بود که یکاش روز بتوانم برای کودکان محروم زادگاهم کلاس درس درست کنم . تا بچه های شهر منم باسواد شوند .

تصویر بازسازی : نوجوانی (ناصر روایی) در حال سیاه مشق خوشنویسی در مکتب معلم خود سید محسن بهشتی از سادات زاویه خلخال که از منشیان و خطاطان نستعلیق نویس بنام است

نوجوان (در حال سیاه مشق): ادب آداب دارد

معلم : الف سه نقطه است پسرم پائین دال بانصف قلم و یک پیچ مختصر دور یک نقطه ی تمام

نمایی از منطقه قلعه باشی خلخال که هنوز به معماری آن زمانها موجود است همراه با موسیقی آذربایجان به تصویر کشیده می شود تا گذر زمان احساس شود

تصویر بازسازی جوانی ناصر روایی که از پشت پنجره اتاق به شهر خیره است و بعد مشغول نوشتن نامه ای به تهران می شود.

بنام یزدان پاک

جناب آقای عبدالرحیم خلخالی ، عزیز بزرگوار

نظر به مخالفت افکار عمومی از اینگونه تاسیسات بیگانه با آنکه می دانستم اقدام بدان مستلزم انواع مخاطره و فداکاری ها بود، از روی احساسات درونی خود را برای مقابله با هرگونه مرارت و مخاطره حاضر و با استفاده از وجود حاج میرزا محمدتقی خوجینی که تحصیلات خود را در باکو انجام داده است.. بدین اراده افتادم که مدرسه ای در قصبه ی خلخال افتتاح و خدمات وطنی خود را از این راه تعقیب نمایم، و چون خود چنین قدرت مالی نداشتیم که همه مصارف مقدماتی و بودجه آتیه ی این مدرسه را از عهده برآیم، اراده خود را با بعضی از خواص خلخال که احساساتی در این کارها داشتند به میان گذاردم استمداد کردم که از مساعدت مادی و معنوی دریغ ننمایند ولی از هیچیک مساعدت مالی و مادی بعمل نیامد و بلکه بعضی ها نظر به عدم استعداد محلی و فقدان وسایل و دوری افکار عمومی از آن و بدتر از همه بدبینی ها نسبت به اینگونه تاسیسات که بوی دیگری از آن برمی آمد بدین اقدام ملامت کردند.

ولی نظر به عشق مفرطی که بدان داشتم خود را بدین کار مصمم و اقل فایده آن را آشنا کردن افکار عمومی بدین تاسیسات و تخم پاشی می دانستم که لامحاله ثمره اش وقتی به دست آید. این بود اراده ی خود را جدا تعقیب و اثاثیه مدرسه را برحسب دستور حاج میرزا محمدتقی با خرج شخصی خودم فراهم و بهترین عمارت قصبه را یعنی منزل حاج سلیم مرحوم با ماهی ده تومان وجه جاری برای مدرسه تعیین و با مدیریت و معلمی مرحوم حاج میرزا تقی و میرزا رفیع و نظامت آقا سید کریم و یک نفر مستخدم و با شصت نفر شاگرد در دو کلاس افتتاح و جشن افتتاحیه در عمارت مدرسه برپا شد.

میزان سنه یکهزار و دویست و هشتاد و چهار هجری شمسی . هیرو آباد

میرزا ابراهیم ناصر دفتر روایی

تصویر: از بازسازی افتتاح مدرسه و نصب تابلویی خوشنویسی شده بنام مدرسه ناصری سردر مدرسه

بازسازی کلاس درس در زمان قاجاریه در مدرسه ناصری خلخال صورت گرفته و دانش آموزان با پوشش و فرهنگ آن زمان منتظر ورود آموزگار هستند که ناصر روایی در قامت آموزگار وارد کلاس می شود و پس از حضور و غیاب دانش آموزان اولین کلمه از اولین درس روی تخته سیاه با گچ روی تخته سیاه ، کلمه " الف " را می نویسد در حالیکه از گوشه چشمش قطره اشکی می چکد

روایی: می دونید چندسال بود منتظر چنین لحظه ای بودم ، از سالها پیش که من سن و سال شما بودم در غربت از پشت اون نیمکت آرزو می کردم ایکاش من هم روزی بتوانم در زادگاهم اولین مدرسه را اولین درس را اولین کلمه را یعنی الف را بنویسم (با صدای بلند) دفترتان را باز کنید و بنویسید الف
زنگ کلاس به صدا در می آید

دانش آموزان با شور و اشتیاق و لباس های یکدست و مرتب صف بسته اند برای ورود به کلاس درس ، ناصر روایی پشت پنجره ی دفتر مدرسه به این شور و اشتیاق خیره است .

نریشن (صدای خود روایی) متاسفانه پس از بیست ماه در نتیجه انقلاب مملکتی و افزایش اختلافات بین ملیون و طرفداران دولت وقت و ازدیاد زمینه تاخت و تاز و مخالفت اشرار در خلخال انتظامات بکلی از هم گسست و اعانه ی مختصر مدرسه قطع شد ، طوری که مربیان و کارکنان مدرسه بیش از چهارده ماه با حداقل دستمزد با فداکاری ادای وظیفه کردند مجبور شدم برای پرداخت حقوق آموزگاران و خدمت کاران از درخت های باغ خود فروخته و حقوق آنها را بپردازم

تصویر : قطع کردن درختان باغ توسط چودارهای منطقه و پرداخت مقداری پول به ناصر دفتر روایی را می بینیم که با ناراحتی تمام پولها را گرفته و به سمت مدرسه راهی می شود . در ورود به مدرسه شاهد اشغال مدرسه توسط ایلات و مامورین دولت می شود که عمارت مدرسه را اشغال و منزلگاه سواران خود قرار داده و قسمتی از اثاثیه آن را پایمال کرده اند

حاجی معلم دفتر و کتاب خود را برداشته و در حال رفتن است که با ناصر دفتر روایی روبرو می شود

روایی: انشالله حاجی معلم؟

حاجی معلم : وضعیت را می بینی که قوربونت برم .. برمی گردم بادکوبه

روایی را حاجی معلم به آغوش می کشد ، اشکهای سرازیر روایی را از چشمش در آغوش حاجی معلم می بینیم

در بکراند بصورت فلو غارت اثاثیه مدرسه توسط ماموران را شاهد هستیم .

تصویر همصحبتی حاجی معلم با دوستش که آموزگار زبان روسی در باکو هست را می بینیم که در زده می شود و پستی پستی را تحویل حاجی معلم می دهد . بسته را که باز می کند شاهد مبلغی پول و نامه ای هستیم ..

حاجی معلم نامه را می خواند ، (صدای ناصر دفتر روایی) :

با عرض ادب و احترام خدمت حاجی معلم عزیز ، فعالیت های مدرسه با رفتن شما و غارت این ازخدا بی خبران مدتها در حال وقفه بود اما بنده ی حقیر پیوسته مترصد فرصتی بودم تا دوباره آن را برپا دارم تا اینکه مبلغی از امیرعشایر به رسم اعانه گرفتم و برای حضرتعالی به بادکوبه فرستادم که نواقص و اثاثیه و کتب مدرسه را به صلاحدید خود خریداری کنید و به دیار خود خلخال بازگردین تا به عشقمان ادامه دهیم . شاگرد کلاس اخلاق و ادب شما میرزا ابراهیم ناصر روایی ، هیرو آباد ، سنه هزار و دویست ونود هجری شمسی

تصویر : کلاس درس ، حاجی معلم همراه ناصر دفتر روایی در حال معارفه آموزگار زبان روسی به بچه ها هستند

ناصر دفتر روایی: امروز مفتخریم با عنایت حاجی معلم عزیز آموزگار زبان روسی را که با ایشان از باکو تشریف آورده اند خدمتان معرفی کنم ..

نریشن: (صدا ناصر دفتر) دل توی دلم نبود که آموزش زبان های خارجه هم در مدرسه دایر شده است اما این دلخوشی طولی نیانجامید و امیر عشایر بنای مخالفت گذاشتند و نگذاشتند اعتبار دولتی برای اداره ی امور مدرسه پایدار شود. پس مدرسه بیش از هشت ماه دوام نیاورد.

تصویر : شاهد قفل شدن دروازه مدرسه هستیم و ناصر دفتر در نهایت تاسف حاجی معلم و رفیق آموزگارش را بدرقه می کند .

نریشن (صدای ناصر دفتر روایی): ماه محرم است و مردم خلخال در حال عزاداری اباعبدالله الحسین (ع) هستند که خبر آمدن میرزا کوچک خان جنگلی به اداره عدلیه بین مردم می پیچد ، مردم خلخال استقبال شایان توجهی از او می کنند و از بین مردم ناصر دفتر روایی درخواست ملاقات حضوری با ایشان را دارد .

تصویر : ملاقات ناصر دفتر روایی با میرزا کوچک خان

ناصر دفتر : در خلخال افکار عمومی از اینگونه تاسیسات بیگانه و اقدام بدان مستلزم انواع مخاطره و فداکاری ها بود، نگارنده از روی یک احساسات درونی خود را برای مقابله با هرگونه مرارت و مخاطره حاضر و با استفاده از وجود حاج میرزا محمدتقی خوجینی (که تحصیلات خود را در باکو انجام داده بود) بدین اراده افتادم که مدرسه ای در قصبه ی هیرو آباد افتتاح و خدمات وطنی خود را از این راه تعقیب نمایم، چون خود چنین قدرت مالی نداشتم که همه مصارف مقدماتی و بودجه آتیه ی این مدرسه را از عهده برآیم، اراده خود را با بعضی از خواص خلخال که احساساتی در این کارها داشتند به میان گذاردم و استمداد کردم که از مساعدت مادی و معنوی دریغ نمایند ولی از هیچیک مساعدت مالی و مادی بعمل نیامد و بلکه بعضی ها نظر به عدم استعداد محلی و فقدان وسایل و دوری افکار عمومی از آن و بدتر از همه بدبینی دولتیان مستبد نسبت به اینگونه تاسیسات که بوی دیگری از آن برمی آمد بدین اقدام ملامت کردند.

میرزا : اتفاقا کار شاقی کردی میرزا ابراهیم ، ما نیز با روی باز از تحصیل و درس مدرسه استقبال می کنیم و حمایت خود را برای بازگشایی مدرسه اعلام می کنیم تا این مکان خیر دایر شود ، از بابت مخارج آن هم نگرانی به دل راه نده که از محل ده درصد حقوقی که جنگلیها برای ادارات می پردازیم تامین خواهد شد.

تصویر : تحصیل شاگردان در مدرسه که با شور و شادی در حیاط مدرسه به کلاس ها می روند دیزالو می شود به وحشت و فرار مردم از شهر به دشت و کوه

تصویر : درگیری و جنگ و خونریزی افراد میرزا کوچک خان با عشایر و ایلات خان های خلخال

نریشن (صدای ناصر دفتر) : در فروردین 1298 شمسی نظر به بروز اختلاف بین میرزا کوچک خان با خوانین و پیش آمد قحط و غلاء و انحلال تشکیلات جنگلیها در خلخال، مردم هراسان بودند و برای یافتن قوت لایموت به اطراف متواری و پراکنده و تمام تشکیلات و سازمانها بهم خورد و اهالی مصیبت زده خلخال علاوه بر فشار اشرار غارتگر در محیط قحطی قرار گرفتند.

تصویر : فقر و فلاکت مردم خلخال

نریشن (صدای ناصر دفتر) : در این جریان گروهی به گیلان و مازندران پناهنده شدند و عده ی بیشماری نیز در جنگلهای گیلان به خوردن برگ و ریشه درختان پرداختند و بالاخره جمع کثیری از ناتوانی و فقر و بیماری در خلخال درگذشتند. آنطور که گفته اند حدود نیمی از نفوس خلخال در این قحطی پایمال و تلف شدند.

تصویر : ورود حاکم خلخال (میرزا علی اصغر خان تبریزی) به حیاط مدرسه و قول مساعدی که ناصر دفتر می دهد

نریشن (صدای ناصر دفتر) : پس از گذشت هجده ماه در مهرماه 1298 شمسی میرزا علی اصغر خان تبریزی به عنوان نیابت حکومت به خلخال وارد شد و با مساعدت او باز اعانه جمع آوری شد و در نتیجه برای بار چهارم مدرسه ی ناصری در تاریخ 1298 شمسی دایر گردید

تصویر : ناصر دفتر همراه دو نفر از کارکنان مدرسه درب چوبی میرزین العابدین را می زنند و میر زینال بیرون آمده و با آنها احوال پرسی می کند و او را برداشته و به سمت مدرسه حرکت می کنند.

نریشن (صدای ناصر دفتر) : چون حاجی معلم به بادکوبه رفته بود میر زین العابدین هاشمی خلخالی که مدتی در مدارس رشت تدریس کرده بود از طرف مرحوم ناصر روائی به مدیریت مدرسه تعیین و به اتفاق دو سه نفر معلم دیگر مشغول تدریس شد.

درتصویر : ناصر روائی در اداره معارف با مسئول او در حال مذاکره است

روایی: الحمدالله که دولت کریمه با جدیت به تشکیل مدارس جدید در شهرها همت گمارده پس وقت را غنیمت شمرده و بحضورتان رسیدم در تقاضای مساعدت برای برقراری بودجه مدرسه ناصری هیرو آباد

رئیس اداره ی معارف : متأسفانه مساعدت مالی به مدرسه ی ملی غیرممکن شده جناب روایی . فقط امکان دارد که اگر مدرسه ی ناصری جزء مدارس جدیدالتاسیس دولتی بشود در آینده از عواید تومانی دویست دینار مالیاتی که به اسم معارف از ولایات وصول می شود بهره مند شود .

روایی : چاره ای نیست قربان

رئیس اداره معارف: پس تقاضا می کنیم مدرسه ی ناصری ازاین تاریخ جزء مدارس دولتی ثبت شود.

در تصویر: عوض کردن تابلوی سردرب مدرسه از مدرسه ملی آذربایجان به نام مدرسه ناصری خلخال

نریشن (صدای ناصر دفتر) : در سال (1301 شمسی) که مترجم السلطنه شیخ بهایی مفتش سیار وزارت مالیه به خلخال آمد اهالی را ترغیب به دادن اعانه به مدرسه کرد و با مدیریت میرزا حمید خان آموزگار اردبیلی که به خلخال آمده بود مدرسه رونق تازه ای می گیرد.

در تصویر : ناصر دفتر روایی جلوی صف دانش آموزان و بزرگان و ریش سفیدان شهر که در صف صبحگاهی مدرسه حضور دارند پشت تریبون رفته و در حال سخنرانی است

ناصر روایی: امروز برای آنکه فرزندان پیشه وران و خیاط و آهنگر و نجار بعد از ورود به مدرسه نسبت به حرفه پدران خود به چشم حقارت ننگرند و پس از تحصیل دست از حرفه پدری نکشند، به همت و کوشش بزرگواران مفتخریم "کلاس صنعتی" در این مدرسه ی تاسیس کنیم

همه با خوشحالی در حال تشویق این اقدام مهم هستند

ناصر دفتر: هفته ای سه روز حرفه ی خیاطی ، کلاهدوزی و چلنگری (آهنگری) به شاگردان کلاس سوم که آخرین کلاس مدرسه تعلیم داده می شود تا بعدها همین شاگردان ، حرفه ی پدری را اختیار کنند و در خلخال بمانند.

در تصویر ورود دانش آموزان با شور و اشتیاق غیر قابل وصف به کلاس ها هستند

نریشن (صدای ناصر دفتر) : در اواخر سال 1301 شمسی که بابا خان سرهنگ، رئیس ارکان حزب آذربایجان شرقی به سمت حکومت وارد خلخال شد و به پیشنهاد ما ، جهت تامین بودجه مدرسه، بر محمولات تجارتي گیلان و کشتار قصابی عوارضی برقرار شد و عواید آن که بالغ بر یکهزار و دویست تومان می بود وسیله ی تامین بودجه و پیشرفت امور مدرسه گردید.

در تصویر : ناصر دفتر روایی جلوی صف دانش آموزان و بزرگان و ریش سفیدان شهر که در صف صبحگاهی مدرسه حضور دارند پشت تریبون رفته و در حال سخنرانی است

ناصر روایی: امروز با عنایت باری تعالی به امید موفقیت و پیروزی شما عزیزان ، به همت و کوشش بزرگواران مفتخریم "کلاس پنجم" را با افتخار در این مدرسه ی تاسیس کنیم

نریشن (صدای ناصر دفتر) : در سال 1303 شمسی کلاس پنجم دایر شد و در همین سال از طرف دولت برای مدرسه ی ناصری نهصد و شصت تومان بودجه معین شد و با موافقت سید فتح الله خان نایب اول حکومت، مدرسه ی دخترانه هم در هروآباد تاسیس گردید.

در تصویر: ناصر دفتر به همراه مهندسین نقشه ساختمان جدید مدرسه را در کنار مدرسه قدیمی کشیده اند و در حال پی ریزی آن هستند .

نریشن (صدای ناصر دفتر) : در سال 1302 شمسی خوانین و سرکردگان ایلات و عشایر توسط دولت سرکوب شدند و بعضی از آنها که از کرده های گذشته نادم شده و تامین یافته بودند به پیشنهاد ما ، اعانه ای برای ساختن ساختمان جدید در اختیار ناصر دفتر گذاردند و پس از ساختمان قباله ی مدرسه به اداره معارف داده شد.

مامورین دولتی در حال نصب تابلوی جدید سردرب مدرسه جدید التاسیس به نام دیگری هستند که با مخالفت و درگیری مردم روبرو می شوند

نریشن (صدای ناصر دفتر) : در سال 1306 اداره معارف ایالتی تحت تاثیر جریانهای زمانه نام مدرسه ی ناصری را خواست تغییر بدهد اما طبقات مردم خلخال به اعتراض برخاستند. یکی از اعتراضات آنها تلگرافی است که در روزنامه سهند به مدیریت مرحوم محمود غنی زاده چاپ شده است شماره چهارشنبه 15 شهریور 1306 صفحه 3

تصویر : مستند تلگراف اهالی خلخال به مقام منیعه وزارت جلیله معارف تبریز..

مدرسه ی ناصری خلخال را بیست سال است آقای ناصر روایی شخصا تاسیس و با فداکاری های فوق الطاقه نگاهداری کرده. حکمی که برای تغییر اسم آن از وزارت جلیله صادر کرده اند منتهای غرض و از روی اشتباه است. اهالی خلخال هیچوقت راضی به معارف کشی نیستند، این ظلم لکه ای در ناصیه حال معارف مملکت است.

تصویر : یکی از مامورین دولتی در حال قرائت بیانیه علما در صف دانش آموزان در محل مدرسه جدید التاسیس ناصری:

علما و معارف هیرو آباد نیز در حمایت از فعالیت مدرسه ناصری و تحصیل دانش فرزندان این مرز و بوم در کسب و تحصیل علم و دانش تقدیر و تشکر خود را ضمن حمایت از این کار ستودنی میرزا ابراهیم ملقب به ناصر دفتر روایی مرقوم می دارد . با تقدیم احترام و تشکر از طرف جمعی از علما و معارف هیرو آباد آقایان سید سعید مجتهد شریعتمدار، صدرالعلماء، رئیس السادات، معین الممالک، نایب صدر، حسنعلی سراج الایاله، سراج لشکر، ساعدالسلطان، میرمحمد آقا جواد.

تصویر شاگردان مدرسه که با شور و شادی به کلاس ها می روند و تدریس معلمان در کلاس های درس که نشان از رونق مدرسه است

با تکرار تصویر طلوع و غروب خورشید در شهر گذشت زمان را می بینیم و رونق بیش از پیش مدرسه را در تغییر پوشش دانش آموزان و جابجایی دانش آموزان در کلاسها نشان داده می شود

تکرار تصویر شاگردان مدرسه که با شور و شادی به کلاس ها می روند و تدریس معلمان در کلاس های درس که نشان از رونق بیش از پیش مدرسه است اما ناگهان خبر ناگواری توسط مدیر جدید مدرسه با علانیه فوت میرزا ابراهیم ملقب به ناصر دفتر روایی کلاسها را به تعطیلی می کشاند .

شاگردان مدرسه همراه علما و اهالی هیرو آباد در مزارستان خلخال به قدردانی و تجلیل از این عالم جلیل القدر در تشییع جنازه او حاضر می شوند .

تعطیلی بازار شهر نشان از اظهار ارادت کسبه و اهالی خلخال به فقدان این نخبه بزرگوار است که بذل علم و دانش را در شهر خلخال با تاسیس اولین مدرسه پاشید .

تصویر ورود دانش آموزان و ادای احترام به تصویر میرزا ابراهیم که سر درب مدرسه نصب شده را می بینیم و تشکیل کلاسها و تدریس مدرسان جدید در این مدرسه ما را به فردای روشن این شهر علاقمند می کند .

در کلاس درس معلم از دانش آموزان این مدرسه حضور و غیاب می کند

معلم : حبیب الله زنجانی ، کلام الله نقی زاده و ...

با چهره تک تک دانش آموزان این مدرسه که بلند می شوند و حاضر می گویند آشنا می شویم

تصویر تک تک دانش آموزان این مدرسه را که الان در مجامع بین المللی برای خود اسم و رسمی کسب کرده اند را در جراید و روزنامه ها و تلویزیون شاهد هستیم

و سر آخر حضور این پیرمردان نخبه در سالگرد تاسیس مدرسه ناصری پشت نیمکت های دانش آموزان هستیم که آخرین مدرس در حال حضور و غیاب این پیرمردان نام آور خلخال است که بلند می شوند و با نهایت افتخار حاضر می گویند.

تقدیم به مفاخر و نام آوران زادگاهم

به ویژه مرحوم استاد ناصر دفتر روایی

با تجدید احترام : عدالت فرزانه

منابع و مراجع:

کتاب های : خاطرات ، دست نوشته ها و اسناد ناصر دفتر روایی

خلخال و مشاهیر- سید مسعود نقیب

تاریخ آموزش و پرورش استان اردبیل

ویژه نامه " آذربایجان شهرلری تانیتیم توپلوسو

نوید آذربایجان- پیشینه تدریس زبان ترکی آذربایجانی- زنده یاد دکتر صمد سرداری نیا

سایت اینترنتی www.khalkhalim.com